دربارهٔ احمد توکلی و عدالت‌خواهی و آزادی‌خواهی توأمان و سیاست‌ورزی عقلانی‌اش

# میراث احمدآقا

زهرا طیبی- علی ملکی
گروه سیاست

**کمتر سیاستمداری را می‌توان پیدا کرد که هم در قدرت باشد و هم منتقد آن، بی‌آنکه بخواهد از مسئولیت فرار کند. هم وزیر باشد، هم استعفا دهد، هم در جایگاه سخنگوی دولت بنشیند و هم در قامت روزنامه‌نگاری مستقل به نقد همان دولت بپردازد. احمد توکلی یکی از این معدود چهره‌ها بود. نه خود را قهرمان می‌پنداشت و نه قدیس؛ اما معمولاً رفتارش در سیاست برخلاف رویه جاری قدرت پیش می‌رفت. مسیری که از مبارزه دانشجویی آغاز شد و تا کرسی‌های مجلس، دولت و رسانه ادامه یافت اما هرگز او را در یک قالب ثابت نگه نداشت. توکلی را نمی‌شد یک چهره صرفاً منتقد، دولتی، دانشگاهی یا انقلابی دانست؛ او ترکیبی از این‌ها بود و توانست سال‌ها هم درون قدرت باشد و هم موقعیت نقد آن را حفظ کند.**

## منتقد منصف؛ ازموسوی تا هاشمی و احمدی‌نژاد

احمد توکلی، متولد ۱۳۳۰ در بهشهر، از اولین حلقه‌های انقلابیون دهه پنجاه بود که در دانشگاه شیراز تحصیل می‌کرد و در همان‌جا با جریان‌های مبارز از جمله سازمان مجاهدین خلق آشنا شد. او که چهار بار پیش از انقلاب توسط ساواک بازداشت و زندانی شد، در سال‌های زندان و با تغییر ایدئولوژی مجاهدین خلق از اسلام به مارکسیسم راهش را از آن‌ها جدا کرد و به یک نیروی اسلام‌گرای منتقد بدل شد. این منش مستقل، بعدها نیز ویژگی بارز او ماند؛ چه در نقد موسوی، چه در چالش با هاشمی و خاتمی و چه در نقد با احمدی‌نژاد.

پس از انقلاب، توکلی بلافاصله وارد ساختار قدرت شد. ریاست شهربانی و دادیاری انقلاب در بهشهر، آغاز مسیر او در فضای رسمی بود. در سال ۱۳۵۹، به‌عنوان نماینده مردم بهشهر به مجلس اول رفت و با چهره‌هایی چون بازرگان، هاشمی‌رفسنجانی، غرضالدین حجازی و مهدی کروبی هم‌دوره شد. ورود او به کابینه شهید رجایی و سپس دولت موسوی، نقطه‌عطفی مهم در کارنامه اوست. وزیر کار و سخنگوی دولت بودن در یکی از بحرانی‌ترین ادوار جمهوری اسلامی ایران، مسئولیتی خطیر بود؛ اما اختلافات فکری با رویکرد اقتصاد دولتی موسوی، او را وادار به استعفا کرد. بعدها وقتی در سال ۸۸ میرحسین موسوی تصمیم گرفت به دنیای سیاست بازگردد، توکلی این بار نه فقط در حوزه اقتصادی بلکه با وقوع اتفاقات در حوزه سیاسی نیز منتقد موسوی شد.

توکلی بعدها در شرح آن دوران گفت: «ما می‌گفتیم دولت باید در حد ضرورت دخالت کند، نه اینکه همه امور اقتصادی را دولتی کند. این خلاف شرع و خلاف عقل است.» مخالفت او با نگاه چپ‌گرایانه موسوی، او را از دولت خارج کرد، اما به حاشیه نراند. برعکس، او قلم را برداشت و در روزنامه «رسالت» به فعالیت‌های انتقادی‌اش ادامه داد.

## کاندیدا برای دفاع از گفتمان، نه قدرت

احمد توکلی سه بار نامزد ریاست‌جمهوری شد. بار اول در سال ۱۳۷۲ در شرایطی که همه تصور می‌کردند هاشمی بدون رقیب جدی پیروز خواهد شد، آوا مد و فضای انتخاباتی را از رخوت خارج کرد. هرچند با فاصله زیاد شکست خورد، اما پیام روشنی داد که نقد قدرت، مخصوص اصلاح‌طلبان نیست، البته رأی ۴ میلیونی در برابر هاشمی‌رفسنجانی رأی ضعیفی محسوب نمی‌شد.

بار دیگر در سال ۱۳۸۰ وارد رقابت با سیدمحمد خاتمی شد. در حالی‌که به نظر می‌رسید می‌دانست از نظر رأی‌آوری شانسی ندارد، اما حضور او از نظر گفتمانی مهم بود. شکست او در آن انتخابات، مقدمه‌ای شد برای بازگشت گفتمان اقتدارگرایی به صحنه سیاسی. گفتمانی که از ۱۳۸۱ تا ائتلاف آبادگران در شورای شهر تهران آغاز شد، در انتخابات مجلس هفتم تثبیت شد و درنهایت در انتخابات ۱۳۸۴ به پیروزی احمدی‌نژاد رسید. توکلی هیچ‌گاه در دام بازی‌های سیاسی نیفتاد. با اینکه در ابتدا از احمدی‌نژاد حمایت کرد، به‌سرعت به منتقد او تبدیل شد. نه تنها برخی وزرای او را در جلسه معارفه رد کرد، بلکه در مجلس نهم نیز از اصلی‌ترین مخالفان سیاست‌های اقتصادی دولت وقت بود. او بارها ثابت کرد که تعلق جناحی، هیچ‌گاه کنشگری او را محدود نخواهد کرد.

## عدالت‌خواه واقعی

احمد توکلی از معدود چهره‌هایی بود که نقد را درون جناحی آغاز کرد و ادامه داد. او که از سال ۱۳۸۳ دوباره به مجلس راه یافت و سه دوره نماینده تهران بود، ریاست مرکز پژوهش‌های مجلس را نیز عهده‌دار شد و در کنار آن، رسانه‌هایی همچون «الف» و روزنامه «فردا» را نیز راه‌اندازی کرد. روزنامه فردا تجربه‌ای متفاوت از روزنامه‌نگاری نخبه‌گرا بود که عمرش به‌خاطر استقلال مالی و فکری کوتاه شد؛ اما اثرش باقی ماند.

در همین سال‌ها، او بیش از پیش به یک چهره عدالت‌خواه بدل شد. در سال ۱۳۹۴ سازمان مردم‌نهاد «دیده‌بان شفافیت و عدالت» را تأسیس کرد و با زبان قانون و مدنیت با فساد مبارزه کرد. یگیری پرونده زمین‌خواری در قزوین، زمین ارکلی و هشدارهای متعدد به مقامات درباره انحرافات ساختاری از جمله فعالیت‌های مدنی او بود.

توکلی با وجود مسئولیت‌های سنگین، به زرق و برق قدرت آلوده نشد. ساده‌زیستی او، چه در زندگی شخصی و چه در رفتارش با مردم و مسئولان، زبانزد بود. در میان دانشجویان و بدنه جریان عدالت‌خواه، محبوبیت داشت. مسلط به نهج‌البلاغه بود و گاه با استناد به آن، مسئولان را خطاب می‌کرد.

سلامت نفس او به‌گونه‌ای بود که حتی رقبای سیاسی نیز به آن اذعان داشتند. شاید به همین خاطر بود که در سال ۱۳۹۶ به عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام درآمد. در همان دوران، درگیر بیماری سختی بود اما باز هم سکوت نکرد. آخرین فعالیت هایش نشان می‌دهد که تا آخرین روزهای عمر، دغدغه فساد، تبعیض و انحراف را داشت. نامه‌نگاری‌های پرحرارت، هشدارها و پیگیری‌های قضایی، او را به «وجدان بیدار نظام» بدل کرده بود.

## سیاست‌ورزی بیرون از خط‌کشی‌های جناحی

احمد توکلی یک اصول‌گرا بود اما جناح‌زده و باند و فهرست انتخاباتی در عملکرد و مواضعش تأثیرگذار نبود. او در دل ساختار قدرت بود، اما همیشه از درون آن نقد می‌کرد. سیاستمداری که در دولت حضور داشت، اما وقتی احساس کرد مسیری خلاف عدالت در حال طی شدن است، استعفا داد. در مجلس بود، اما ورزای دولت همسو با به چالش کشید. رسانه داشت، اما حتی روزنامه‌اش را از دست داد.

او از اصول‌گرایان منتقد بود، اما اصول‌گرایی‌اش را رفته به‌معنای تبعیت از جناح، بلکه به‌معنای وفاداری به اصول عدالت، شفافیت و سلامت می‌دانست. سه بار شکست در انتخابات ریاست‌جمهوری را تجربه کرد، اما هرگز عقب نشست و حضورش در صحنه سیاسی تاثیرگذار و جهت‌ساز بود. توکلی، اهل نهج‌البلاغه و اهل قانون بود، اما مسکوت در برابر فساد و تبعیض را جایز نمی‌دانست. اهل تئوری بود، اما میدان سیاست را ترک نکرد. با دانشجویان و جوانان رفیق بود و نقد را از نسل نوپای عدالت‌خواه با آغوش باز می‌پذیرفت.

توکلی سیاستمداری بود که می‌شد با او موافق یا مخالف بود، اما نمی‌شد صداقت و سلامت او را انکار کرد. سیاستمداری که در قدرت ماند، اما هیچ‌گاه اسیر و تسلیم آن نشد. احمد توکلی به دلیل سکته قلبی مدتی در بخش مراقبت ویژه بستری بود و درنهایت روز چهارشنبه اول مرداد در فانی را وداع گفت.

## ولایتمداری توکلی چگونه بود؟

بیژن مقدم
مدیرمسئول رسانه الف

جمعه وداع کردیم با مردی که همه بر صداقتش مهر تأیید زدند، چه چپ باشند چه راست، چه اصول‌گرا و چه اصلاح‌طلب. وداع کردیم با مردی که همه زندگی‌اش را در مبارزه گذراند و هیچ‌گاه خستگی را به رسمیت نشناخت و تا آخرین روزهای حیات نیز دست از کار و تلاش برنداشت.

با مردی وداع کردیم که عصیاناً به اسلام ناب باور داشت. به امام عشق می‌ورزید و همواره خود را مطیع ولایت می‌دانست. ولایتمداری‌اش هم‌کمی با دیگران فرق داشت. اولی‌امر خود را معصوم نمی‌دانست، اما خود را مطیع اوامر او می‌دانست، به‌ولی‌اش مشورت می‌داد! اما هیچ‌گاه قدمی و قلمی که به تضعیف او بینجامد برنداشت. امر به معروف را ترک نمی‌کرد. نامه‌های فراوانی به مسئولان و رهبر انقلاب نوشت؛ اما سخت بر این باور بود که انجام وظیفه‌اش نباید به تضعیف ارکان نظام بینجامد.

او از یاد گرفتیم که می‌توان با مشورت با عقلا به فهمی جدید رسید. پای بند به اصول بود و به مخالف احترام گذاشت. نشان داد می‌توان در کارهای مشترک با مخالفان به وحدت رسید. اسلام را عزتی از هرگونه فساد می‌دید و به همین دلیل سخت بر این باور بود که «فساد بزرگ‌ترین دشمن اسلام است!» وی اغراق نباید گفت تمام عمرش را صرف مبارزه با فساد کرد.

بسیار مردم‌دار بود. نسبت به ایران و اسلام نصیحت داشت. معتقد بود اگر لطمه‌ای به ایران وارد شود، تشیع هم ممکن است در معرض نابودی قرار گیرد. شاید به همین دلیل بود که می‌گفت به توصیه امیرالمؤمنین باید قلبمان را از محبت به مردم پر کنیم و دوستشان بداریم.

## گشودن راه نهی از منکر مسئولان

سیدامیرسجاح
پژوهشگر اقتصادی

کسانی که با احمدآقای توکلی مأنوس یا همکار بوده‌اند، از فضائل اخلاقی آن مرحوم زیاد می‌گویند و از نظر تقوا، جوانمردی، سادهزیستی، فساد‌ستیزی، صراحت و حساسیت نسبت به بیت‌المال ایشان را یک اسوه تکرار نشدنی می‌دانند. مرحوم توکلی علاوه بر همه این ویژگی‌ها یک ویژگی خاص دیگر هم داشت که در برابر ناهنجاری در سیاست‌گذاری نمی‌توانست ساکت بماند و اگر اشتباهی در مسئولان و سیاست‌گذاران می‌دید، مثل بقیه اول به این فکر نمی‌کرد که تذکر و نهی از منکر من به چه کسانی برمی‌خورد و چه منافعی و دفاعیاتی را از دست خواهم داد. در کل نسبت به امر به معروف و نهی از منکر اهل معامله و حساب و کتاب نبود. وقتی ناهنجاری می‌دید بلافاصله تذکر می‌داد یا صراحت بیان و شجاعت بی‌نظیر.

این صراحت و شجاعت ویژگی‌هایی دیگرش بود که باعث شده بود ایشان غیرقابل معامله هم بشود و از سویی برایش دشمنان بسیار زیادی درست کرده بود. در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ برخی رفتارهای ناهنجار و انحرافات مالی نسبت به خط اصیل انقلاب اسلامی در ۳ قوه ظهور کرده بود، توکلی نسبت به همه آن‌ها اعتراض می‌کرد. شبیه کاری که آیت‌الله آیت در برابر خلفا انجام می‌داد. این بود که ابوذر منفور و مغضوب شد، توکلی هم منفور و مغضوب منحرفین و متهمان فساد و منحرفین از خط اصیل انقلاب، منفور شد و به اوسیاژ تهمت زدند و برایش دردسر درست کرده‌اند و جزء معدود مسئولان جمهوری اسلامی بود که چنین‌بین‌یه به دادگاه رفت و با رسانه‌هایش بستر نهی از منکر و امربه‌معروف را بکار برد و به فسادان این عرصه جرئت و جسارت داد.

## میراث توکلی و ضرورت حکمرانی شنوا

سینا کاظم
جامعه‌شناس

سیاست ایران امروز، چهره‌ای را از دست داده که جای خالی‌اش نه تنها در عرصه کنش سیاسی که در جریان اخلاق حکمرانی نیز آشکارا حس خواهد شد. فقدان احمد توکلی را باید فقدان نُصلحی دانست که میدان سیاست را بی‌خصلت نقادی خردمندانه‌اش، ناقص و ناتمام خواهد گذاشت. در میان انبوه ستایش‌های رایج این روزها و پیرهن‌های کم‌نظیر او، یک خصلت مهم او، چراغ راه حکمرانی مطلوب بود: توان شنیدن نقد کارشناسی مخالف و بالاتر از آن، مواجه کردن فضایی امن برای طرح جسورانه آن. آنان که طعم کار در لابه‌های گوناگون نظام‌های اجرایی و تقنینی را چشیده‌اند، به‌خوبی می‌دانند این صفت چقدر نایاب، چقدر حیاتی و چقدر بنیادین برای اداره خردمندانه جامعه است. اگر گفته شود امروز این ویژگی، گم‌شده‌ترین رکن حکمرانی ایران است، هرگز سخنی اغراق‌آمیز نیست. اما توکلی تنها نطفه پهلوی‌ار این فضیلت نبود؛ او آن را زیسته بود. در سکوت پذیرش نقدها، در گفتار عاری از تکفیر و در رفتار مبتنی بر احترام به اندیشه مخالف، تجسم زنده آن بود. همین منشی بود که زمینه‌ساز او لایحه‌ای صندلی‌ها رد می‌شد و با نمایندگان صحبت می‌کرد. نکته مهم این بود اعتقادات‌اش را مختصر می‌دانست و از آن عدول نمی‌کرد. اعتقادات اقای توکلی همان اعتقادات ۴۰ سال پیشتر بود، مبانی‌شان تغییر نکرد و روی همان‌ها ایستاد و با صراحت نظرشان را بیان می‌کردند.

احمدی‌نژاد را به صراحت به سخره گرفت و جلوی سیاست‌های اقتصادی و بعد از آن مقابل رویکردهای سیاسی ایشان، ایستاد. این برای ایشان در اردوگاه اصول‌گرایان، هزینه داشت اما این هزینه برای آقای توکلی به خاطر آزادمنشی‌اش که داشت، اصلاً مسئله‌ای نبود. چراکه زمانی که دید موضوعی خلاف عدالت است و خلاف دیدگاه‌های خودشان است به صراحت مطرح می‌کرد. اوج این موضوع را هم در دور دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی می‌بینیم. باید به حال و هوای آن دو زمان برگردید تا متوجه واقعیت ماجرا شوید. سال ۷۲ که دور دوم انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد، آقای هاشمی یک اقتدار بسیار زیادی داشتند. هم خودشان، هم جایگاه‌شان و فرد دوم کشور از نظر سیاسی محسوب می‌شدند و در این موقعیت فردی برای انتخابات کاندیدا شد به نام آقای احمد توکلی که آن زمان هنوز دکترایشان را نگرفته بودند و چهره‌ای عمدتاً گمنتر آمدند برای مردم اما ایشان، سیاست‌های آقای هاشمی و دولتشان و منش‌های‌شان را مورد انتقاد قرار دادند و مقابل ایشان ایستادند. آن زمان هیچ‌کدام از شخصیت‌های جریان چپ و راست، جرأت نمی‌کرد در مقابل آقای هاشمی کاندیدا شود، آن هم که کاندیدای نمایشی، بلکه یک کاندیدای جدی که همان زمان هم گفتند آمدند که رئیس‌جمهور شوند نه اینکه نمایشی از دموکراسی، اجرا کنند و به شدت کاندیدا کردند و بعد از آن، این اقدام‌کننده اقدام زیادی با ایشان، ارتباط داشتند و او را فرد بسته جناحی نمی‌دیدند. خاطرم است که بارها با افراد شاخص جناح‌های دیگر جلسه می‌گذاشت و با آن‌ها مشورت می‌کرد. از این جهت در قالب‌های تنگ جناحی نمی‌افتادند.

### ایشان در نقد کردن دولت‌ها هم فراجناحی عمل می‌کردند.

خصوصیت ایشان این بود. در دولت اول آقای احمدی‌نژاد که اصول‌گرایان به شدت از ایشان حمایت می‌کردند و هم‌موضع بودند. در همین زمان که جریان اصول‌گرایی از آقای احمدی‌نژاد حمایت می‌کردند و بار در مقابل انتقادهای ایشان سکوت می‌کردند، آقای توکلی سکوت نمی‌کرد. دکتر توکلی اولین کسی بود که در دوران احمدی‌نژاد، پشت تریبون مجلس آمد و مسئله بیماری هلندی را مطرح کرد و جزء اولین افرادی بود که سیاست‌های اقتصادی آقای احمدی‌نژاد را به صراحت مطرح می‌کردند. اما نظریه‌پردازی می‌کردند و نظریه‌های اقتصادی و سیاسی که داشتند، در قالب طرح به مسئولان مختلف، به‌شکل نامه به مسئولان به خاطر وضعیت وخیمی که داشتند، ارائه می‌کردند. علت تأکید من بر اینکه ایشان خسته نمی‌شدند این بود که یک سری از شخصیت‌های سیاسی که ۲۰ یا ۳۰ سال پیش از هرجناحی می‌شناختید، الان دیگر نیستند و مشغول زندگی خودشان شده‌اند. ایشان این طور نبودند. کار و فعالیت می‌کردند. صداقته بدون اینکه دسته‌بندی کنند، خودشان، هم جایگاه‌شان و فرد شاخص دیگر هم داشتند. شما می‌دانید، دیده‌بان شفافیت و عدالت، محلی است که افراد خیلی سریع آلوده می‌شوند، اما ایشان کاملاً مراقبت می‌کرد. هم خودشان، هم جمعی که با ایشان کار می‌کردند. در همه دنیا این طور است مراکزی که می‌خواهند فساد را پیگیری کنند، مراکز اطلاعاتی، امنیتی، انتظامی، خودشان یکی از مراکزی هستند که در معرض آلوده شدن به فساد قرار دارند، به این خاطر که کسانی که آلوده به فساد هستند می‌خواهند آن‌ها را بخرند و در جریان هستم که دیده‌بان شفافیت و عدالت، در مراحلی در سال‌های گذشته، می‌توانست در معرض فساد قرار بگیرد که آقای توکلی مراقبت کردند.

### ایشان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی‌شان چقدر ملاحظات جناحی داشتند؟

آقای توکلی بسیار اهل مشورت بود. در خیلی از تصمیماتی که ایشان می‌خواست در طی ۳۰ سال گذشته بعد از دعوه اول انقلاب بگیرد، مشورت می‌کرد. با جمع‌های ۱۰، ۱۵ نفره از دوستان مختلف و سلیقه‌های مختلف، جلسه برگزار می‌کرد. گاهی چند ساعت طول می‌کشید که سر یک موضوعی، مشورت کنند. از آخرین روزهای زندگی‌شان در بسیاری از تصمیمات سیاسی و اقتصادی‌شان، مشورت می‌کرد. البته گاهی مشورت را می‌شنید و تغییراتی متناسب با نظر خودشان می‌داد. خسته نمی‌شدند. از جوانی و دوران دانشجویی که وارد فعالیت سیاسی شدند و بعد که دستگیر شدند و همچنین بعد از پیروزی انقلاب، از کار ناامید نمی‌شدند. حتی یک روز پیش از آنکه این حادثه برای ایشان پیش بیاید، مشغول کار بودند.

ادامه در صفحه ۷





ناصر ایمانی:

## در قالب‌بندی‌های تنگ جناحی نیفتاد

**احمد توکلی، اصول‌گرایی بود که برای انتقاد از سیاستمداران و تصمیم‌گیری‌ها، در دام تعارفات جناحی و سیاسی نمی‌افتاد؛ در عین حال که منتقد جدی سیاست‌های اقتصادی هاشمی بود؛ احمدی‌نژاد که در طریف راست و جریان اصول‌گرایی بود را هم به خاطر سیاست‌های اقتصادی‌اش، نقد می‌کرد. ناصر ایمانی دوست قدیمی احمد توکلی که سابقه همکاری با او در «روزنامه رسالت» و «سایت الف» را دارد، این تعبیر را در مورد او به کار می‌برد که دکتر توکلی در قالب‌های تنگ جناحی نمی‌افتاد. در ادامه مشروح این گفت‌وگو را از نظر می‌گذرانید.**

### نقطه ممایز آقای توکلی با دیگر سیاستمداران چه بود؟

مرحوم آقای توکلی، دوست عزیز من بودند. بارها این را در زمان حیات ایشان هم گفته بودم که یک استاد در میان سیاستمداران کشور به معنای اهم بودند. ایشان ویژگی‌هایی داشتند که او را از تمام سیاستمداران چه اصول‌گرا و چه اصلاح‌طلب و مستقل متمایز می‌کرد. یکی از ویژگی‌های بارز ایشان این بود که عقاید و اعتقادات خودشان را به خصوص، مطرح می‌کردند (گاهی اقتضای زمان بود که بیان نظرات در جلسات خاصی مطرح باشد، گاهی به شکل غیرعلنی). این نقطه افتراق بزرگ ایشان با دیگر سیاستمداران بود. بسیاری از سیاستمدارانی که ما می‌شناسیم در ۳۵ سال گذشته، به نوعی عقاید خودشان را کتمان می‌کنند. شما بسیار شنیده‌اید که افراد مسئول، مواضع علنی‌شان یک چیز است و در جلسات خصوصی، چیز دیگری می‌گویند. آقای توکلی مصلحت‌اندیشی در اینکه اگر عقاید خودش را مطرح کند، یک عده خوشش بیاید، یک عده ناراحت شوند، نداشت. اهل این‌طور احتیاطات بی‌مورد نبودند.

### روحیه ایشان در مبارزه با فساد را چطور می‌دیدید؟

ایشان از بن دندان عدالتخواه بود. مسئله عدالت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی‌شان، جایگاه مهمی داشت به همین خاطر هم تشکیلاتی به نام دیده‌بان شفافیت و عدالت ایجاد کرد. همچنین در زندگی شخصی‌شان؛ من از زندگی شخصی ایشان اطلاع دارم و به عنوان یک فرد مطلع شهادت می‌دهم، آقای توکلی از نظر مالی، واقعاً پاکدست بودند. مواردی بود که برخی دین‌فروشی می‌کردند و ایشان را به چیزهایی متهم می‌کردند که کذب بود. از دنیا هم که رفتند، وضعیت زندگی و خانواده ایشان کاملاً مشخص است. هیچ وقت پدیده‌ای به نام آقازادگی در ایشان ندیدید، با وجود اینکه ایشان چندین فرزند داشتند و حتی به دنیال نفع شخصی و مادی نبودند. شما می‌دانید، دیده‌بان شفافیت و عدالت، محلی است که افراد خیلی سریع آلوده می‌شوند، اما ایشان کاملاً مراقبت می‌کرد. هم خودشان، هم جمعی که با ایشان کار می‌کردند. در همه دنیا این طور است مراکزی که می‌خواهند فساد را پیگیری کنند، مراکز اطلاعاتی، امنیتی، انتظامی، خودشان یکی از مراکزی هستند که در معرض آلوده شدن به فساد قرار دارند، به این خاطر که کسانی که آلوده به فساد هستند می‌خواهند آن‌ها را بخرند و در جریان هستم که دیده‌بان شفافیت و عدالت، در مراحلی در سال‌های گذشته، می‌توانست در معرض فساد قرار بگیرد که آقای توکلی مراقبت کردند.

### ایشان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی‌شان چقدر ملاحظات جناحی داشتند؟

آقای توکلی بسیار اهل مشورت بود. در خیلی از تصمیماتی که ایشان می‌خواست در طی ۳۰ سال گذشته بعد از دعوه اول انقلاب بگیرد، مشورت می‌کرد. با جمع‌های ۱۰، ۱۵ نفره از دوستان مختلف و سلیقه‌های مختلف، جلسه برگزار می‌کرد. گاهی چند ساعت طول می‌کشید که سر یک موضوعی، مشورت کنند. از آخرین روزهای زندگی‌شان در بسیاری از تصمیمات سیاسی و اقتصادی‌شان، مشورت می‌کرد. البته گاهی مشورت را می‌شنید و تغییراتی متناسب با نظر خودشان می‌داد. خسته نمی‌شدند. از جوانی و دوران دانشجویی که وارد فعالیت سیاسی شدند و بعد که دستگیر شدند و همچنین بعد از پیروزی انقلاب، از کار ناامید نمی‌شدند. حتی یک روز پیش از آنکه این حادثه برای ایشان پیش بیاید، مشغول کار بودند.

### نقطه ممایز آقای توکلی با دیگر سیاستمداران را در چه می‌دانید؟

در مورد دوماندان‌ها بین جمعی‌ای که از دست‌دادیم، حتی برخی از نیروهای اصول‌گرا به برخی از این فرماندهان جفا کردند که دیناگرا شدند و برخی هم از اصلی‌ترین مخالفان دعوا می‌کنند. اما از منی که جان خودشان را در مسیر دفاع از ملت ایران و اطاعت از فرماندهی مقام معظم‌رهبری به اثبات رساندند، برخی باید از اینکه چنین آقای بی‌پروایی را دنبال کردند، شرمنده شوند. در مورد شخصیت آقای توکلی نیز همین است؛ با وجود اینکه ۴ دوره نماینده مجلس بود، ویزر بود. کنشگر قوی اجتماعی بود و مؤسسه قدرتمندی را رهبری می‌کرد؛ اما بسیار ساده‌زیست و برهمه پیوستان خود با مردم، پای فشرده و دنبال دنیا نرفت. البته شبیه آقای توکلی بسیار داریم، منتها هرگز خودش را در کانون نگاه مردم قرار نمی‌دهند، چون نمی‌خواهند دنبال دنیا گرایی بروند. برخی که مرتب می‌خواهند در کانون خبرها باشند و خودشان را مطرح کنند، گرایش خاصی دارند؛ اما شخصیت‌هایی مثل آقای توکلی، هیچ گرایشی به اینکه از سابقه خدمتی‌شان بهره بگیرند، ندارند. بعد از مصلحت نظام درآمد. در همان دوران، درگیر بیماری سختی بود اما باز هم سکوت نکرد. آخرین فعالیت هایش نشان می‌دهد که تا آخرین روزهای عمر، دغدغه فساد، تبعیض و انحراف را داشت. نامه‌نگاری‌های پرحرارت، هشدارها و پیگیری‌های قضایی، او را به «وجدان بیدار نظام» بدل کرده بود.

## سیاست‌ورزی بیرون از خط‌کشی‌های جناحی

احمد توکلی یک اصول‌گرا بود اما جناح‌زده و باند و فهرست انتخاباتی در عملکرد و مواضعش تأثیرگذار نبود. او در دل ساختار قدرت بود، اما همیشه از درون آن نقد می‌کرد. سیاستمداری که در دولت حضور داشت، اما وقتی احساس کرد مسیری خلاف عدالت در حال طی شدن است، استعفا داد. در مجلس بود، اما ورزای دولت همسو با به چالش کشید. رسانه داشت، اما حتی روزنامه‌اش را از دست داد.

او از اصول‌گرایان منتقد بود، اما اصول‌گرایی‌اش را رفته به‌معنای تبعیت از جناح، بلکه به‌معنای وفاداری به اصول عدالت، شفافیت و سلامت می‌دانست. سه بار شکست در انتخابات ریاست‌جمهوری را تجربه کرد، اما هرگز عقب نشست و حضورش در صحنه سیاسی تاثیرگذار و جهت‌ساز بود. توکلی، اهل نهج‌البلاغه و اهل قانون بود، اما مسکوت در برابر فساد و تبعیض را جایز نمی‌دانست. اهل تئوری بود، اما میدان سیاست را ترک نکرد. با دانشجویان و جوانان رفیق بود و نقد را از نسل نوپای عدالت‌خواه با آغوش باز می‌پذیرفت.

توکلی سیاستمداری بود که می‌شد با او موافق یا مخالف بود، اما نمی‌شد صداقت و سلامت او را انکار کرد. سیاستمداری که در قدرت ماند، اما هیچ‌گاه اسیر و تسلیم آن نشد. احمد توکلی به دلیل سکته قلبی مدتی در بخش مراقبت ویژه بستری بود و درنهایت روز چهارشنبه اول مرداد در فانی را وداع گفت.

## میراث توکلی و ضرورت حکمرانی شنوا

سینا کاظم
جامعه‌شناس

سیاست ایران امروز، چهره‌ای را از دست داده که جای خالی‌اش نه تنها در عرصه کنش سیاسی که در جریان اخلاق حکمرانی نیز آشکارا حس خواهد شد. فقدان احمد توکلی را باید فقدان نُصلحی دانست که میدان سیاست را بی‌خصلت نقادی خردمندانه‌اش، ناقص و ناتمام خواهد گذاشت. در میان انبوه ستایش‌های رایج این روزها و پیرهن‌های کم‌نظیر او، یک خصلت مهم او، چراغ راه حکمرانی مطلوب بود: توان شنیدن نقد کارشناسی مخالف و بالاتر از آن، مواجه کردن فضایی امن برای طرح جسورانه آن. آنان که طعم کار در لابه‌های گوناگون نظام‌های اجرایی و تقنینی را چشیده‌اند، به‌خوبی می‌دانند این صفت چقدر نایاب، چقدر حیاتی و چقدر بنیادین برای اداره خردمندانه جامعه است. اگر گفته شود امروز این ویژگی، گم‌شده‌ترین رکن حکمرانی ایران است، هرگز سخنی اغراق‌آمیز نیست. اما توکلی تنها نطفه پهلوی‌ار این فضیلت نبود؛ او آن را زیسته بود. در سکوت پذیرش نقدها، در گفتار عاری از تکفیر و در رفتار مبتنی بر احترام به اندیشه مخالف، تجسم زنده آن بود. همین منشی بود که زمینه‌ساز او لایحه‌ای صندلی‌ها رد می‌شد و با نمایندگان صحبت می‌کرد. نکته مهم این بود اعتقادات‌اش را مختصر می‌دانست و از آن عدول نمی‌کرد. اعتقادات آقای توکلی همان اعتقادات ۴۰ سال پیشتر بود، مبانی‌شان تغییر نکرد و روی همان‌ها ایستاد و با صراحت نظرشان را بیان می‌کردند.

احمدی‌نژاد را به صراحت به سخره گرفت و جلوی سیاست‌های اقتصادی و بعد از آن مقابل رویکردهای سیاسی ایشان، ایستاد. این برای ایشان در اردوگاه اصول‌گرایان، هزینه داشت اما این هزینه برای آقای توکلی به خاطر آزادمنشی‌اش که داشت، اصلاً مسئله‌ای نبود. چراکه زمانی که دید موضوعی خلاف عدالت است و خلاف دیدگاه‌های خودشان است به صراحت مطرح می‌کرد. اوج این موضوع را هم در دور دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی می‌بینیم. باید به حال و هوای آن دو زمان برگردید تا متوجه واقعیت ماجرا شوید. سال ۷۲ که دور دوم انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد، آقای هاشمی یک اقتدار بسیار زیادی داشتند. هم خودشان، هم جایگاه‌شان و فرد دوم کشور از نظر سیاسی محسوب می‌شدند و در این موقعیت فردی برای انتخابات کاندیدا شد به نام آقای احمد توکلی که آن زمان هنوز دکترایشان را نگرفته بودند و چهره‌ای عمدتاً گمنتر آمدند برای مردم اما ایشان، سیاست‌های آقای هاشمی و دولتشان و منش‌های‌شان را مورد انتقاد قرار دادند و مقابل ایشان ایستادند. آن زمان هیچ‌کدام از شخصیت‌های جریان چپ و راست، جرأت نمی‌کرد در مقابل آقای هاشمی کاندیدا شود، آن هم که کاندیدای نمایشی، بلکه یک کاندیدای جدی که همان زمان هم گفتند آمدند که رئیس‌جمهور شوند نه اینکه نمایشی از دموکراسی، اجرا کنند و به شدت کاندیدا کردند و بعد از آن، این اقدام‌کننده اقدام زیادی با ایشان، ارتباط داشتند و او را فرد بسته جناحی نمی‌دیدند. خاطرم است که بارها با افراد شاخص جناح‌های دیگر جلسه می‌گذاشت و با آن‌ها مشورت می‌کرد. از این جهت در قالب‌های تنگ جناحی نمی‌افتادند.

### ایشان در نقد کردن دولت‌ها هم فراجناحی عمل می‌کردند.

خصوصیت ایشان این بود. در دولت اول آقای احمدی‌نژاد که اصول‌گرایان به شدت از ایشان حمایت می‌کردند و هم‌موضع بودند. در همین زمان که جریان اصول‌گرایی از آقای احمدی‌نژاد حمایت می‌کردند و بار در مقابل انتقادهای ایشان سکوت می‌کردند، آقای توکلی سکوت نمی‌کرد. دکتر توکلی اولین کسی بود که در دوران احمدی‌نژاد، پشت تریبون مجلس آمد و مسئله بیماری هلندی را مطرح کرد و جزء اولین افرادی بود که سیاست‌های اقتصادی آقای احمدی‌نژاد را به صراحت مطرح می‌کردند. اما نظریه‌پردازی می‌کردند و نظریه‌های اقتصادی و سیاسی که داشتند، در قالب طرح به مسئولان مختلف، به‌شکل نامه به مسئولان به خاطر وضعیت وخیمی که داشتند، ارائه می‌کردند. علت تأکید من بر اینکه ایشان خسته نمی‌شدند این بود که یک سری از شخصیت‌های سیاسی که ۲۰ یا ۳۰ سال پیش از هرجناحی می‌شناختید، الان دیگر نیستند و مشغول زندگی خودشان شده‌اند. ایشان این طور نبودند. کار و فعالیت می‌کردند. صداقته بدون اینکه دسته‌بندی کنند، خودشان، هم جایگاه‌شان و فرد شاخص دیگر هم داشتند. شما می‌دانید، دیده‌بان شفافیت و عدالت، محلی است که افراد خیلی سریع آلوده می‌شوند، اما ایشان کاملاً مراقبت می‌کرد. هم خودشان، هم جمعی که با ایشان کار می‌کردند. در همه دنیا این طور است مراکزی که می‌خواهند فساد را پیگیری کنند، مراکز اطلاعاتی، امنیتی، انتظامی، خودشان یکی از مراکزی هستند که در معرض آلوده شدن به فساد قرار دارند، به این خاطر که کسانی که آلوده به فساد هستند می‌خواهند آن‌ها را بخرند و در جریان هستم که دیده‌بان شفافیت و عدالت، در مراحلی در سال‌های گذشته، می‌توانست در معرض فساد قرار بگیرد که آقای توکلی مراقبت کردند.

### ایشان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی‌شان چقدر ملاحظات جناحی داشتند؟

آقای توکلی بسیار اهل مشورت بود. در خیلی از تصمیماتی که ایشان می‌خواست در طی ۳۰ سال گذشته بعد از دعوه اول انقلاب بگیرد، مشورت می‌کرد. با جمع‌های ۱۰، ۱۵ نفره از دوستان مختلف و سلیقه‌های مختلف، جلسه برگزار می‌کرد. گاهی چند ساعت طول می‌کشید که سر یک موضوعی، مشورت کنند. از آخرین روزهای زندگی‌شان در بسیاری از تصمیمات سیاسی و اقتصادی‌شان، مشورت می‌کرد.